

آنست که انس بن مالک رضی الله عنه گفت است که در کربلا در یک
رسول صلی الله علیه و آله و سلم مردی را بقوت اجتهاد در عبادت خدای تعالی
ناگاه از دور آن مرد پیدا شد گفتم یا رسول الله آن مرد کی می گفتم
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که سوگند بآن خدای که جان من در
قبضه قدرت اوست که من در روی وی اثری از شیطان نمی بینم آن
مرد پیش رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و سلام کرد رسول صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که سوگند بخدای بر تو که چون ما را دیدی نفس تو
حدیث کرد بآن که درین قوم هیچ کس از تو بهتر نیست گفت آری
بعد از آن برفت و خطی بر زمین کشید و مسجدی ساخت و در نماز
ایستاد رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که گیت که برود و ویران
ابو بکر رضی الله عنه گفت که من پس برفت و ویران نماز یافت
بترسیدم که ویران نماز بکشد باز گشت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
از وی پرسید که چه کردی گفت ویران نماز یا نتم ترسیدم که ویران
باز رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که گیت که برود و ویران بکشد
رضی الله عنه گفت که من دوی نیز جان کرد که ابو بکر رضی الله عنه کرد
باز رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که گیت که برود و ویران بکشد
رضی الله عنه گفت که من فرمودم که تویی اگر ویران دریا بی پس برفت
و ویران آنجا یافت باز گشت و آنرا بار رسول صلی الله علیه و آله و سلم
بگفت فرمود که این اول کسی است که خرج کند از امت من اگر ویران

ی کشتی

ی کشتی میان دو کس از امت من اختلاف واقع نمی شد پس فرمود که
بنی اسرائیل معتاد و یک فرقه شدند و زود با خدا گفت من معتاد و
فرقه شوند و بعد از آن با خدا یک فرقه **و از آنجمله آنست**
که رسول صلی الله علیه و آله و سلم با اصحاب گشت که فردا که هر که بیاید چیزی
صدقه بیاورد علیه بن زید رضی الله عنه گوید که من شب با خدای تعالی
مناجات کردم و گفتم خداوند اتوی دانی که رسول صلی الله علیه و آله و سلم
ما را بصدقه فرمود و نزدیک من هیچ چیز که صدقه گفتم نیست من عرض
و آب روی خود را بصدقه کردم چون با ندا شد مرا صی صدفات
آوردند و علیه بن زید رضی الله عنه با ایشان در آمد رسول صلی الله
علیه و آله و سلم نظر کرد هیچ کس را ندید مگر چیزی آورد فرمود که این
المصدقی بعرضه البارقه یعنی نماز آن کسی که دو شیخ عرض
خود را بصدقه می کرد هیچ کس جواب نداد باز فرمود که این المصدقی
بعرضه البارقه هیچ کس جواب نداد علیه بن زید بر فاش و گشت
آن ستم فرمود که قبل از آنکه ما را **و از آنجمله آنست** که ابو بکر
رضی الله عنه گفت است که رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرا فرمود که زکوة
ماه رمضان را محافظت نمایم بکیش کسی آمد تا چیزی از آن بگیرد
ویرا بگیرم و گفتم ترا پیش رسول صلی الله علیه و آله و سلم می برم گشت مرا
بگذارد که دیگران نیز نیایم و این از آن سبب کردم که حال مند و محتاجم
بر روی ریحم کردم و بگذرتم چون با ندا کردم رسول صلی الله علیه و آله و سلم